

## ترجمه مقالات برگزیده در فلسفه و الاهیات شر

### جلد اول

#### الاهیات سنتی

به سرپرست

### نعیمه پورمحمدی





## درباره شر

ترجمه مقالات برگزیده در فلسفه والاہیات شر

جلد اول: الاہیات سنتی

به سرپرستی: نعیمه پورمحمدی

ترجمه: نعیمه پورمحمدی، سید محمدحسین صالحی،

مهدی خسروانی، محمد حقانی فضل و دیگران



قم؛ بلوار معلم، مجتمع ناشران،

طبقه سوم، واحد ۳۱۴، انتشارات کتاب طه

دفتر انتشارات: ۰۲۵ ۳۷۷ ۴۴۶۲۴

دونویس: ۰۲۵ ۳۷۷ ۴۳۶۲۴

فروشگاه (کتابسرای طه): ۰۲۵ ۳۷۸ ۴۸۳۲۶

✉ ketabtaha.com ☎ ketabtaha@gmail.com

telegram.me/tahabooks 📸 instagram.com/ketabtaha

## درباره شر

ترجمه مقالات برگزیده در فلسفه والاهیات شر

### جلد اول: الاهیات سنتی

به سرپرستی: نعیمه پورمحمدی

ترجمه: نعیمه پورمحمدی، سید محمدحسین صالحی،  
محمد حقانی فضل، مهدی خسروانی و دیگران

• ناشر: کتاب طه

• چاپ دوم: تابستان ۱۳۹۸

• شمارگان: ۵۰۰ جلد

• شابک جلد اول: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۳۴-۶۶-۱

• شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۳۴-۶۵-۴

• چاپ و صحافی: بوستان کتاب

• کارگروه تولید مؤسسه فرهنگی طه

اکرم صادقی / صفحه آرا

هدیه پورمحمدی / طراح جلد

همه حقوق این اثر محفوظ است. هرگونه تکثیر، انتشار، اقتباس و تلخیص تمام یا قسمتی از این کتاب به هر صورت (چاپ، کپی، صوت، تصویر، انتشار در فضای مجازی) بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است و به موجب «قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان» پیگرد قانونی دارد.

مادری که برای فرزند مرده‌اش عزاداری می‌کند، هنوز می‌تواند امیدوار باشد که خدا را ستایش کند و برای همیشه از نعمت وجود خدا برخوردار شود؛ تسلیی از سوی خدا، از سوی روح جاودانه‌ای در درون خویش. اما نه تسلیی از جنس مادرانگی. به ویژه از شادی مادرانه باید چشم پیشود. هرگز در هیچ مکان یا زمانی، پرسش را بر روی زانوانش نخواهد گذاشت، یا او را حمام نخواهد کرد یا برایش قصه نخواهد گفت، یا برای آینده پسرک نقشه نخواهد کشید، یا نوه‌اش را نخواهد دید...

سی. اس. لئیس  
حکایت یک غم



## فهرست مطالب

۱۱ .....	مقدمه
	نعیمه پورمحمدی
فصل اول: برهان شر .....	
۱۲۱ .....	۱. تقریر جدید از مسئله منطقی شر.....
	جی. ال. شلنبرگ / ترجمه: سید محمدحسین صالحی
۱۲۳ .....	۲. تجربه شرو تأیید خدانا باوری .....
	ژروم گلمن / ترجمه: نعیمه پورمحمدی
فصل دوم: فلسفه‌های کلاسیک .....	
۱۵۱ .....	۳. گفت و گوهایی در باب دین طبیعی .....
	دیوید هیوم / ترجمه: سید محمدحسین صالحی
۱۸۱ .....	۴. در باب ناکامی تمام آزمون‌های فلسفی در تودیسه .....
	ایمانوئل کانت / ترجمه: سید محمدحسین صالحی
۱۹۵ .....	۵. آیون .....
	کارل گوستاو یونگ / ترجمه: سید محمدحسین صالحی
۲۱۱ .....	۶. آینده یک پندرار .....
	زیگموند فروید / ترجمه: سید محمدحسین صالحی
۲۲۷ .....	۷. درآمدی بر مابعدالطبیعه .....
	مارتن هایدگر / ترجمه: سید محمدحسین صالحی

۲۳۵ .....	۸. مسئله ایوب .....
	جوسایا رویس / ترجمه: سید محمدحسین صالحی
۲۴۵ .....	<b>فصل سوم: الاهیات ادیان .....</b>
۲۴۷ .....	تئودیسه یهودی .....
۲۴۹ .....	۹. درباره ساختن تئودیسه‌ای یهودی .....
	دیوید شاتس / ترجمه: مهدی خسروانی
۲۸۵ .....	۱۰. دین عقل از دل منابع یهودیت .....
	هیرمن کوهن / ترجمه: سید محمدحسین صالحی
۲۹۳ .....	تئودیسه مسیحی .....
۲۹۵ .....	۱۱. تئودیسه پیوند آفرینی .....
	راپین کالینز / ترجمه: مهدی خسروانی
۳۲۷ .....	۱۲. تئودیسه همایندی و تئودیسه قدرشناسی .....
	جاستین مک‌برایر / ترجمه: مهدی خسروانی
۳۵۳ .....	تئودیسه اسلامی .....
۳۵۵ ...	۱۳. ثمرات معرفتی زمین برای هماهنگ شدن با خدا: تئودیسه‌ای اسلامی ...
	محمدعلی مبینی / ترجمه: پریسا شکورزاده
۳۷۹ .....	تئودیسه هندی .....
۳۸۱ .....	۱۴. به سوی تئودیسه‌ای هندی .....
	پوروشتمام بیلیموریا / ترجمه: فهیمه زعفرانی و نعیمه پورمحمدی
۴۱۳ .....	<b>فصل چهارم: نقد تئودیسه‌های سنتی .....</b>
۴۱۵ .....	نقد گفتمانی .....
۴۱۷ .....	۱۵. تحلیل و نقد گفتمان تئودیسه‌های سنتی در پاسخ به مسئله شر .....
	نعیمه پورمحمدی

۱۶. امکان تثوییسه (۱) ..... ۴۴۹	کِنُث سورین / ترجمه: نعیمه پورمحمدی
۱۷. امکان تثوییسه (۲) ..... ۴۷۳	کِنُث سورین / ترجمه: نعیمه پورمحمدی
۱۸. مروری بر چند پاسخ به مسئله شر ..... ۴۸۵	مرلین مککورد آدامز / ترجمه: محمد حقانی فضل نقد اخلاقی ..... ۵۰۹
۱۹. ضد تثوییسه ..... ۵۱۱	نیک تراکاکیس / ترجمه: حامد هاشمی
۲۰. تثوییسه در غرقاب اشک و آه ..... ۵۳۹	اوون فیلز / ترجمه: مهدی خسروانی
۲۱. آیا می‌توان از تثوییسه پرهیخت؟ ادعای شرور جبران نشده ..... ۵۷۱	جیمز ویزل / ترجمه: نعیمه پورمحمدی
۲۲. مسئله فرمان‌های الاهی که از نظر اخلاقی شنیع به نظر می‌رسند ..... ۱۹۵	وسلی موریستون / ترجمه: حامد هاشمی
۲۳. جهنم و مسئله شر ..... ۶۲۳	آندری ای. بوکارف و آلن پلاگ / ترجمه: مهدی خسروانی
۲۴. مسئله درد و رنج حیوانات ..... ۶۵۷	رابرت فرانچسکوتی / ترجمه: پریسا شکورزاده
۲۵. درد حیوان ..... ۶۹۳	سی. اس. لوئیس / ترجمه: سید محمدحسین صالحی
۲۶. نامه چارلز داروین به آسا گری، ۲۲ می ۱۸۶۰ ..... ۷۰۱	چارلز داروین / ترجمه: سید محمدحسین صالحی
۲۷. وجود خدای شخصی ..... ۷۰۵	چارلز داروین / ترجمه: نعیمه پورمحمدی

۲۸. کارکرد چندمنظوره مورد نظر خدا ..... ۷۱  
ریچارد داکینز / ترجمه: نعیمه پورمحمدی
۲۹. آیا خدا طرفدار برتری نژادی سفیدپوستان است؟ ..... ۷۲۵  
ولیام آر. جونز / ترجمه: سید محمدحسین صالحی
- نقد اگزیستانسی ..... ۷۳۱
۳۰. مسئله اگزیستانسی شر ..... ۷۳۳  
کلی جیمز کلارک / ترجمه: نعیمه پورمحمدی
۳۱. حکایت یک غم ..... ۷۴۱  
سی. اس. لوئیس / ترجمه: طبیه حقانی فضل  
نمایه ..... ۷۶۳

## مقدمه

نعیمه پورمحمدی

سخن پوشیده بشنو، اسب من مردهست و اسلم پیر و پژمردهست  
غم دل با تو گویم غار  
کبوترهای جادوی بشارتگوی  
نشستند و تواند بود و باید بودها گفتند  
بشارت‌ها به من دادند و سوی آشیان رفتند  
من آن کalam را دریا فرو برده  
گله‌ام را گرگ‌ها خورد  
من آن آواره این دشت بی‌فرسنگ  
من آن شهر اسیرم، ساکنانش سنگ  
ولی گویا دگر این بینوا شهزاده باید دخمه‌ای جوید  
دریغا دخمه‌ای در خورد این تنها بدفرجام نتوان یافت  
کجا بی‌ای حریق؟ ای سیل؟ ای آوار؟  
اشارت‌ها درست و راست بود اما بشارت‌ها  
بیخشاگر غبارآلود راه و شوخگینم، غار  
درخشان چشم‌هه پیش چشم من خوشید  
فروزان آتشم را باد خاموشید  
فکندم ریگ‌ها را یک به یک در چاه

همه امشاسپندان را به نام آواز دادم لیک  
 به جای آب دود از چاه سر بر کرد، گفتی دیو می‌گفت «آه»  
 مگر دیگر فروع ایزدی آذر مقدس نیست؟  
 مگر آن هفت انوشه خوابشان بس نیست؟  
 زمین گندید، آیا بر فراز آسمان کس نیست؟  
 گیسته است زنجیر هزار اهریمنی تر زان که در بند دماوندست  
 پشوتن مرده است آیا؟

وبرف جاودان بارنده سام گرد را سنگ سیاهی کرده است آیا؟  
 سخن می‌گفت، سر در غار کرده، شهریار شهر سنگستان  
 سخن می‌گفت با تاریکی خلوت  
 تو پنداری مغی دلمرد در آتشگاهی خاموش  
 زیبداد ایران شکوه‌ها می‌کرد  
 ستم‌های فرنگ و ترک و تازی را  
 شکایت با شکسته بازویان می‌ترامی کرد  
 غمان قرن‌ها را زار می‌نالید  
 حزین آوای او در غار می‌گشت و صدا می‌کرد  
 غم دل با تو گویم غارا!  
 بگو آیا مرا دیگر امید رستگاری نیست؟  
 صدا نالنده پاسخ داد:  
 آری نیست؟

مهدی اخوان ثالث

\*\*\*

در این کتاب از شربه معنای خاص سخن گفته نمی‌شود. شربه معنای خاص به  
 قلمروی اندیشه «اخلاقی»، «حقوقی» و «سیاسی» تعلق دارد که از «انگیزه‌های شر»،  
 «افعال شر» و «شخصیت‌های شر» بحث می‌کند. پرسش‌های این حوزه خاص از  
 این قرار است: آیا رواست اصطلاح شر را در اندیشه اخلاقی، حقوقی و سیاسی به  
 کار ببریم؟ آیا به کار بدن شر در این فضاهای سه‌گانه منسوخ یا بی معنا نیست؟

نسبت میان شر و مفاهیم اخلاقی دیگر مثل خطاکاری یا بدی یا مفاهیم حقوقی دیگر نظری او صاف غیرمشروع و غیرقانونی چیست؟ یا اگر گفته می‌شود فلان ساختار سیاسی شر است، مراد چیست؟ شروط لازم و کافی برای تحقق اعمال شر کدام است؟ شروط لازم و کافی برای تحقق شخصیت شر چیست؟ نسبت میان عمل شر و شخصیت شر چیست؟ گونه‌های اعمال شر و شخصیت‌های شر کدام است؟ و پرسش‌های دیگری از این دست!

تعلق خاطر این کتاب به هیچ وجه چنین فضای تنگ‌دامنه‌ای نیست. بلکه این کتاب از شر به معنای عام سخن می‌گوید و هر گونه «شر طبیعی» یا «شر اخلاقی» را در برمی‌گیرد. شر طبیعی وضعیت‌های شر در این عالم است که برخلاف معنای خاص شر در امور حقوقی، اخلاقی و سیاسی، به انگیزه‌ها یا افعال کنش‌گران ربطی ندارد. وقتی از طوفان یا آتش‌سوزی و بیماری سلطان حرف می‌زنیم، از شر طبیعی حرف زده‌ایم و به کلی از فضای خاص قلمروی حقوقی، اخلاقی و سیاسی خارج شده‌ایم. شر اخلاقی نیز حاصل سوء استفاده موجودات مختار انسانی از اختیار خویش در این عالم است. بنابراین می‌توانم بگویم شر طبیعی حاصل دشمنی طبیعت با انسان و شر اخلاقی حاصل دشمنی انسان با انسان است. در این معنای عام، مفهوم نکوهش اخلاقی یا رسوایی اخلاقی یا ارزجار خلاقی، چنان‌که در معنای خاص مطرح بود، در کارنیست، زیرا سخن در بافت علوم «فلسفی» و «الاهیاتی» است. پرسش در این فضای عام یا شامل این پرسش فلسفی است که «آیا شر توجیهی جهانی دارد یا خیر؟» یا شامل این پرسش الاهیاتی است که «آیا شر با وجود خدا سازگار است یا خیر؟».

البته این راهنمایی که شر در این معنای عام که موردنظر بافت فلسفی و الاهیاتی است، شامل آن محدوده خاص حقوقی، اخلاقی و سیاسی نیز می‌شود و از انگیزه‌ها یا افعال یا شخصیت‌های شرنیز سخن می‌گوید. ولی پیداست که در این فضای عام منظر و پرسش‌های ما با زوایه دید و پرسش‌های خاص علوم اخلاق و سیاست متفاوت است. سخن پرسش‌ها در اینجا پرسش‌های فلسفی و الاهیاتی است.

۱. نک.: تاد کالدر، مفهوم شر، ترجمه ایمان شفیع‌بیک، دانش‌نامه فلسفه استنفورد، ققنوس، ۱۳۹۶.

## أنواع شر

### یک. شر طبیعی و شر اخلاقی

أنواع شر در بافت الاهیاتی و فلسفی در عام ترین تقسیم‌بندی شامل «شر اخلاقی» و «شر طبیعی» است که در بالا چند جمله‌ای در خصوص آن توضیح دادم. شر اخلاقی شری است که از «انتخاب‌های آزاد اخلاقی انسان‌ها» نشئت می‌گیرد و شامل رفتار غیرانسانی انسان در برابر انسان‌ها یا حیوانات است. همان‌طور که هیوم می‌گوید:

انسان بزرگ‌ترین دشمن انسان است. ظلم، بی‌عدالتی، تحقیر، اهانت، خشنوت، فتنه‌انگیزی، جنگ، بهتان، خیانت، تقلب؛ انسان‌ها با این امور یکدیگر را متقابلاً رنج می‌دهند، و اگر به دلیل وحشت از رنج‌های بزرگ‌تری نبود که با جدایی از یکدیگر گرفتار آن می‌شدند، جامعه‌ای را که تشکیل داده‌اند از هم می‌پاشیدند.<sup>۱</sup>

از سوی دیگر، شر طبیعی شری است که در نتیجه «اعمال طبیعت» یا خطای طبیعت به وجود می‌آید. زلزله، سیل، خشکسالی، بیماری و همه آسیب‌های جسمی، مرگ، افسردگی و همه آسیب‌های روحی از این دسته شرور هستند. باز سخن هیوم را می‌آورم:

دمتا گفت: به شمارش حزن‌آلود این شاعر بزرگ گوش کنید:

... یأس از بستری به بستر دیگر

سرگرم تیمار بیماران

وبالای سر آنان مرگ پیروزمندانه

داس وحشتیش را می‌چرخاند

اما از فروبدن آن طفه می‌رود

اگرچه بیماران با آه و ناله سوزان

چونان آخرین آرزوی خویش

مرگ را

التماس می‌کنند

1. David Hume, *Dialogues Concerning Natural Religion*, Indianapolis, 1980, p. 60.

دمثا دادمه داد: آشافتگی های روحی اگرچه پنهان ترند، شاید کمتر از آشافتگی های جسمانی ملال آور و آزاردهنده نباشند. ندامت، شرم‌ساری، دلتنگی، خشم، نامیدی، نگرانی، هراس، سرافکنندگی، یأس ... کیست که تا کنون زندگی اش را بدون هجوم بی رحمانه این رنج های عذاب آور سپری کرده باشد؟ ... اگر تمام کامیابی های زندگی در یک جا جمع شوند، انسان کاملاً خشنودی را نخواهد ساخت؛ ... ولی غالباً وجود یک درد (و کیست آن که بتواند از تمام دردها آسوده باشد؟) بلکه چه بسانبود یک نعمت (و کیست آن که توفیق بهره‌وری از تمام نعمت‌ها را داشته باشد؟) کافی است تا زندگی ما را ناخوشایند سازد!

شرطی‌بی‌را «شرفیزیکی» نیز می‌نامند و از شرعاخلاقی به «شرب‌شیری» نیز تعبیر می‌کنند.

## دو. شرمتافیزیکی یا شرآگزیستانسی

علاوه بر انواع رایج شر در گفتمان فلسفه و الاهیات، «شر متافیزیکی» یا «شر اگزیستانسی» نیز وجود دارد که در فلسفه والاهیات اگزیستانسی در اصل فقط همان را شر می‌دانند و فقط به راه چاره آن می‌پردازند. شر از دید فیلسوفان اگزیستانس عبارت است از محدودیت‌ها و جبرهای وجود انسانی در این عالم شامل «اضطراب اختیار»، «رنج آگاهی از مرگ»، «ترس از عدم قبل از تولد و عدم پس از مرگ»، «ترس از تنهایی»، «افسردگی ناشی از پوچی این جهان»، «ناتوانی از شکستن مرزهای زمان و مکان و حد وجود»، «وضعيت ابهام و گیجی حاصل از رازآلودگی عالم» و «تردید در جدیت‌های این زندگی». فیلسوفان اگزیستانس همچون سارتر و کی‌برکگور که از اضطراب اختیار بحث کرده‌اند، کامو و تیلیش که از رنج عدم سخن گفته‌اند، داستاییفسکی و یاسپرس که از رنج‌های روحی و تنهایی حرف زده‌اند، مارسل که از رازآلودگی جهان سخن گفته، هایدگر که درباره مرگ آگاهی می‌گفت، راسل که از چموشی طبیعت سخن گفته، نیگل که از تردیدها و دلخواهی بودن همه چیز زندگی ما می‌گوید، یانیچه و شوپنهاور که درباره پوچ بودن و تنهی بودن این عالم از ارزش و معنا گفته‌اند، همه‌شان در برابر شرور متافیزیکی موضع می‌گیرند و نظریه می‌دهند. این متفکران بس که شرور اگزیستانسی در نگاهشان عظیم است، شرور طبیعی و اخلاقی را دم‌ستی و علاج‌پذیر می‌دانند.

1. Ibid., p. 61.

## سه. شروحشتناک

مریلن آدامز اصطلاحی جدید در بحث شر جعل می‌کند: «شرور و حشتناک». او این مفهوم را در برابر شرور عادی می‌گذارد. از نظر او شرور و حشتناک ویران‌کننده معنای زندگی‌اند:

شرهایی که مشارکت در ایجاد آنها یا رنج کشیدن از آنها، در نگاه نخست، دلیلی است برای تردید در اینکه زندگی مشارکت‌کننده (با توجه به مشارکتش در شر) می‌تواند در کل برای او خییر بزرگ باشد یانه. از نمونه‌های چشمگیر این‌گونه شرها می‌توان به این موارد اشاره کرد: تجاوز به یک زن و قطع کردن دستانش، شکنجه روانی‌ای که هدف نهایی اش از هم پاشیدن شخصیت است، بدرفتاری با کودک از نوعی که ایوان کارامازوف توصیف کرده، تکه کردن فرزند، مشارکت در اردوگاه‌های مرگ نازی‌ها، و بمباران هسته‌ای مناطق پرجمعیت. زنای والدین با فرزندان، ارعب در مدارس، عاملیت تصادفی و/یا غیرعمدی در مرگ کسانی که بیشترین علاوه را به آنها داریم، عاملیت تصادفی و/یا غیرعمدی در از ریخت افتادن چهره کسانی که بیشترین علاوه را به آنها داریم، اسکیزوفرنی و افسردگی بالینی شدید، و بیماری‌های حادشونده همچون آلزایمر و ام‌اس که تار و پود شخصی را که زمانی می‌شناختیم از هم می‌گسلند یا اورا سیر خود می‌کنند.

مشارکت در شرور و حشتناک دلیلی به دست می‌دهد برای تردید در اینکه آیا زندگی مشارکت‌کننده می‌تواند ارزش زیستن داشته باشد یا نه، زیرا ارزش مثبت زندگی او را فرو می‌بلعد و در ساختارهای معنا‌ساز ارخنه می‌کند، امری که به نظر می‌رسد ارزش او را در مقام شخص تباہ می‌کند و پایین می‌آورد. پدری که به صورت تصادفی و بدون آنکه سهل‌انگاری کند، پسر کوچکش را که چشم و چراغش بوده زیر گرفته، در این فکر فرو می‌رود که او اکنون چه کسی می‌تواند باشد، چگونه می‌تواند ادامه دهد و کاری بیش از زنده ماندن صرف انجام دهد. وقتی کسی قربانی زنای با محارم می‌شود، این اتفاق موجب آشفتگی او می‌شود و او را مغلوب شرم و سرزنش خویشتن می‌کند. چنین شخصی عذاب می‌کشد و با این تردید مواجه است که چه اشتباهی مرتکب شده که چنین ب Roxوری با او کرده‌اند، یا چرا آن قدر بی ارزش است که دیگران برای محافظت از او مداخله نکرده‌اند. افسردگی زنگ و بوی زندگی افراد را می‌گیرد و اجازه

نمی‌دهد کسانی که به آن مبتلا هستند هیچ چیز خوبی را تجربه کنند. سربازان و غیرنظامیان آسیب دیده در جنگ توانایی این را که روایت سازگاری از زندگی شان داشته باشند از دست می‌دهند، چرا که شرور وحشتناک دائمًا خودشان را به رخ آنها می‌کشنند و آنها را پی در پی به وحشت می‌اندازند و می‌ترسانند.<sup>۱</sup>

### آدامز ویزگی‌هایی را برای شرور وحشتناک برمی‌شمرد:

۱. شرور وحشتناک به نحو گریزنای‌پذیر از قدرت تصور ما فراتر می‌روند. به لحاظ کتمی، هیتلر و استالین آن قدر عمر نکردند که رنج‌هایی را از سنخ همان رنج‌هایی که به وجود آورده بودند یک به یک تجربه کنند؛ به لحاظ کیفی، سربازان سنگدل و نوجوانان نمی‌توانند تجربه‌ای شبیه تجربه عذاب مادری داشته باشند که به آتش افکنده شدن یا بر نیزه شدن فرزندش را می‌بینند. در نتیجه، آنان که شرور وحشتناکی آفریده‌اند معمولاً به صورت کامل درک نمی‌کنند که چه بدی‌ای در شرور وحشتناک وجود دارد یا آنها چقدر بدنند. حاصل اینکه «نمی‌فهمند چه کرده‌اند».
۲. هیچ میزانی از دوراندیشی یا احتیاط تضمین نمی‌کند که از شرور وحشتناک دور بمانیم. سهل‌انگاری‌های کوچک بذر شرور وحشتناک پیش‌بینی نشده را می‌کارند. مثل وقتی که یک لحظه بی‌توجهی پشت فرمان، ورزشکار المپیک را به فردی فلچ تبدیل می‌کند. صرف بودن در مکان نادرست و در زمان نادرست می‌تواند ما را به مشارکت‌کننده در شرور وحشتناک تبدیل کند، همانند مشتریان فروشگاهی که درست چند لحظه پیش از آنکه بمبگذار انتشاری خودش را در آنجا منفجر کند قدم به فروشگاه می‌گذارند، یا همانند آمریکایی‌هایی که دست بر قضا به هنگام فرو افتادن یکی از بمبهای اتمی در هیروشیما برای بازدید بستگانشان به این شهر آمده بودند.
۳. هیچ کاری برای اصلاح شرور وحشتناک نمی‌توانیم انجام دهیم. هیچ مجموعه‌ای از خیرهای ساخته و پرداخته ناب وجود ندارد که بتواند مشارکت در شرور وحشتناک را جبران کند. اکثر افرادی که از هولوکاست

---

۱. نک: مقاله «اعتقاد به خدا به خاطر شر» در مجموعه حاضر.

جان سالم به در برده‌اند دیگر توان کافی برای ایجاد پیوندهای شخصی واقعی نداشته‌اند و در خلاف رو بلعیده شده‌اند. آنها دیگر نتوانسته‌اند شغل یا همسر یا فرزندی داشته باشند. شرور و حشتناک هنگامی که به ظرفیت‌های روان‌شناختی فرد برای معناسازی آسیب می‌رسانند، یا آنها را تحریف یا تخریب می‌کنند، به درون [شخص] حمله می‌کنند. یکی از روان‌شناسان درباره پناهجویان کامبوجی که از میدان‌های کشتارآمده بودند می‌گفت: «ما سعی نمی‌کنیم آنها را وادار کنیم تجربه‌هایشان را به یاد بیاورند و در قالب یک روایت سازگار ادغام کنند. فقط سعی می‌کنیم تکنیک‌ها و راهبردهایی را به آنها آموخت دهیم که بتوانند روزها را بگذرانند!» از همین قبيل اند بیماران اسکیزوفرنیک پارانویایی که همه جا و پشت هر چهره‌ای توطئه می‌بینند یا بیماران افسرده‌ای که افسردگی شان اجازه نمی‌دهد هیچ یک از چیزهایی که تجربه می‌کنند خوب به نظر آید یا به نظر برسد که ارزش داشتن دارد.

۴. شرور و حشتناک را نمی‌توان با ساختارهای عدالت کیفری معنادار کرد. آنچه در نگاه نخست ظرفیت‌های معناسازی شخص را به بن‌بست می‌کشاند و بدین وسیله زندگی اوراتیاه می‌کند تحول اخلاقی مثبت را متوقف می‌کند. به هر تقدیر، اعمال شر و حشتناک در برابر شر و حشتناک، یعنی مجازات مجرمان، فقط شرور و حشتناک را چند برابر می‌کند و به این ترتیب نمی‌تواند جهان را به مکانی بهتر تبدیل کند.

۵. انسان‌ها در این جهان عمیقاً در برابر شرور و حشتناک آسیب‌پذیرند و در عین حال به نحوی گریزن‌پذیر در شرور و حشتناک همدست‌اند. هولوکاست در آلمان نازی شر و حشتناک بود و بلافاصله بعد از آن نسل‌کشی‌ها در صربستان و کرواسی، رواندا و دارفور خ دادند. سکوی سلاخی تاریخ غرق در شرور و حشتناک است. کتاب‌های یوشع و عزرا نشان می‌دهند که چگونه، دست کم از دوران کتاب مقدس، نسل‌کشی و پاکسازی قومی رواج کار متعارف در میان گروه‌های رقیب بوده است.<sup>۱</sup>

## چهار. شر ساختاری

«شر ساختاری» شری است که ذاتی سیستم‌های اجتماعی ساخته بشر است. این شرور در درون نهادهای قانونی، اقتصادی و فرهنگی چنان رسوخ یافته‌اند که همچون قانون جاذبه طبیعی تلقی می‌شوند، بی‌آنکه ملموس باشند و آنها را احساس کنیم. این شرور به مرور زمان شکل گرفته‌اند و متراکم شده‌اند و سپس با سنت درآمیخته‌اند و از طریق ساختارهای جامعه حفظ شده‌اند. به این ترتیب، منشأ این شرور نه در خود فرد، بلکه در نقطه تلاقی فرد با نهادهای اجتماعی غیرشخصی نهفته است. شر ساختاری هر جایی است که با فرد به صورت غیرفردی رفتار می‌شود و آزادی و خلاقیت فردی او سرکوب می‌گردد.

تمام نظام‌های «مردسالار»، «نژادپرست»، «ملیتپرست»، «طبقه‌گرا»، «سالم‌سالار»، «ایدئولوژی‌پرست»، «قومیت‌گرا» و جز آن را در نظر بگیرید. ساختارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در این نظام‌هاست که به ظلم و تبعیض علیه زنان، سیاهپستان، طبقات ضعیف جامعه، معلولان، اقلیت‌های دینی، مذهبی، قومی و سیاسی می‌انجامد. شر ساختاری حاصل نظام‌های اجتماعی طالمانه‌ای است که باعث می‌شود پاره‌ای از انسان‌ها «دیگری» به حساب آیند و ضعیف و ذلیل نگه داشته شوند. حتی خود ما معلوم نیست از شر ساختاری برکنار باشیم. میلیون‌ها انسان به عنوان مرتكب شر ساختاری یا قربانی شر ساختاری مشارکت می‌کنند. میلیون‌ها انسان دیگر که خودشان را از جامعه کنار می‌کشند و گوشنهشین می‌شوند و بدین وسیله از مشارکت فردی در شرور ساختاری دوری می‌کنند، باز به لحاظ اجتماعی در شرور ساختاری همدست‌اند. آدامز می‌گوید:

معنای مثبتی که آمریکایی‌های طبقه متوسط چنین سخت برای آن تلاش می‌کنند (لذت زندگی راحت در خانه‌های دوست داشتنی و لباس‌های خوب و مدرسه‌های عالی، دوچه و یک سگ، امکان خرید بستنی و قهوه لذیذ و شکلات و کره باadamزمینی) با وضعیت وحشتناک کارگرانی که در مزرعه‌ها وحشیانه با آنها برخورد می‌شود و وضعیت کارگرانی که در بیکاری خانه‌ها با دستمزد بخور و نمیر لباس‌های آنها را تولید می‌کنند خراب می‌شود.<sup>۱</sup>

روشن است که از دید فلسفه و الاهیات فمینیستی، مطالعات معلولیت، جنبش‌های فکری پسااستعمار، الاهیات رهایی بخش و جز آن، شر چیزی جز همین شر ساختاری نیست و راه علاج آن نیز چیزی جز اصلاح ساختارهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نیست.

## پنج. شرعینی، تاریخی و ناذات‌گرا

در گفتمان‌های معاصر در باب شر، شر مفهومی انتزاعی و ذهنی نیست، بلکه امری «عینی» و دارای ابیه و سوژه «تاریخی» است. در گفتمان مدرن، رویکرد انتزاعی و غیرتاریخی به شر به شدت نقد می‌شود. در این نگاه شروری که با ارجاع به قربانیان و قربانی‌کنندگان خاصی متعین نمی‌شوند، قدرت عذاب دادن یک شخص را ندارند. در این صورت شر دیگر خشونت ندارد و وحشی نیست و دیگر مسئله‌ای نیست که به راه حل نیاز داشته باشد. واقعیت آن است که شر بدون زمان و مکان خاص و بدون قربانی و جlad تاریخی، شر نیست بلکه مفهوم محض است. در این صورت ما اگر از شر سخن بگوییم از شبح شر سخن گفته‌ایم نه از خود شر. برای همین است که در گفتمان مدرن، ذات‌گرایی در باب شر به پایان می‌رسد و شر امری غیرمفهومی، غیرمطلق، متنوع و وابسته به موقعیت می‌شود.<sup>۱</sup>

## شش. شرو رنج

در پارادایم سنتی مسئله شر، سخن از سه‌گانه «خدا، شر و عدل الاهی» است. این مدل در دوره مدرن جای خود را به سه‌گانه «انسان، رنج و عدالت بشری» می‌دهد. در مثلث سنتی، خدا و شر به صورت دو مؤلفه موازی معرفی می‌شوند و وجود شر از منظر کیهانی واقعیتی مجزا است که در ساختار جهان به عنوان عاملی خارجی جا دارد. در این تلقی، شر عاملی بیرون از انسان قلمداد می‌شود که برای وجود انسان تهدید و خطر به شمار می‌آید. طبیعی است که در این نوع

---

۱. نک.: مقاله «تحلیل و نقد گفتمان تئودیسه‌های سنتی در پاسخ به مسئله شر» در مجموعه حاضر.

نگاه برای اثبات حقانیت خدا به عنوان خیر در مقابل شر، درباره خدا داوری اخلاقی صورت می‌گیرد و باید از خدا دفاع کرد، چون بار تقصیر یا مسئولیت شر بر عهده خداست.

با انتقال از خدامحوری به انسان محوری در دوره مدرن، بار تقصیر به انسان انتقال می‌یابد و مسئولیت شر بر دوش انسان قرار می‌گیرد. انسان است که باید شر را مدیریت و اصلاح و نه صرفاً تبیین و توجیه کند. بر اساس این تصویر جدید از شر در مدل مدرن، شرنه به عنوان عاملی جدا از انسان بلکه در نسبت با انسان نام‌گذاری می‌شود و واژه «رنج» به تدریج جای واژه «شر» را می‌گیرد. انسان‌ها هستند که گرفتار رنج می‌شوند و این رنج را خود آنها باید مهندسی و مهار کنند. این مدل در واقع جایگزینی از تئودیسه به سوی «آنتروپوپوئیس» است؛ آنتروپوپوئیس همان نظریهٔ عدالت بشری است که در پایان مقدمه بیشتر درباره آن سخن می‌گوییم.

## مسائل شر

### ۱. مسئله منطقی شر

هیوم به پیروی از اپیکور مسئله منطقی شر را به ساده‌ترین شکل خود بیان کرد: آیا خدا می‌خواهد مانع شر شود اما نمی‌تواند؟ پس او قادر مطلق نیست. آیا می‌تواند، اما نمی‌خواهد؟ پس او خیرخواه نیست. آیا هم می‌تواند و هم می‌خواهد؟ پس چرا شر وجود دارد؟<sup>1</sup> بعدها سه روایت مشخص از مسئله منطقی شر پا به پای هم پیش رفتند. اولی بر «وجود شر» تکیه می‌کند، دومی بر «میزان زیاد شر»، «تنوع شر» و «توزیع نامناسب شر»، و سومی بر «شورور گراف». در خلاصه برهان گفته می‌شود که دو گزاره (G) و (E) از نظر منطقی با هم ناسازگارند:

- (G) یک خدای قادر مطلق، عالم مطلق و خیرخواه محض وجود دارد.
- (E1) شر وجود دارد. یا (E2) میزان زیاد، انواع بسیار و توزیع نامناسبی از شر وجود دارد. یا (E3) شر گراف وجود دارد.

1. David Hume, *Dialogues Concerning Natural Religion*, New York: Hafne, 1948, p. 60.

اما برهان به شکل مبسوط و با در نظر گرفتن همه مقدمات ضروری مناسب، دقیقاً نشان می‌دهد که اگر G را داشته باشیم، باید E1 ~E2 ~E3 را داشته باشیم. اما آن مقدمات ضروری مناسب کدام‌اند؟ آنها مقدمات کمکی‌ای هستند که نشان می‌دهند چطور با افزودن گزاره‌های ضروری‌ای که از محتوای گزاره G و گزاره‌های E به دست می‌آید، گزاره G و گزاره‌های E در کنار هم نمی‌توانند سازگار باشند:

۱. گزاره به دست آمده از (G) این است که خدا به حکم قدرت مطلق، می‌تواند هر نوع وضع منطقاً ممکن از جمله رفع شر را ایجاد کند.

۲. گزاره به دست آمده از (G) این است که خدا به حکم علم مطلق، هر چیزی را که امکان دانستنش را داشته باشد، می‌داند، از جمله اینکه چگونه شر را از بین ببرد.

۳. گزاره به دست آمده از (G) این است که خدا به حکم خیرخواهی محض، همیشه در پی ایجاد خیر و از بین بردن شر (E1) یا به دنبال مانع شدن از میزان زیاد، انواع بسیار و توزیع نامناسب شر (E2) یا به دنبال نفی شرگذاف (E3) است.

۴. وجود شر (E1)، یا میزان زیاد، انواع بسیار و توزیع نامناسب شر (E2) یا شر گذاف (E3) یک وضع منطقاً ضروری نیست.

با در نظر گرفتن مقدمات مبسوط برهان و همه گزاره‌های کمکی به این نتیجه می‌رسیم که (G) با E1 ~E2 ~E3 سازگار است نه با E1 و E2 و E3.

در کنار این نسخه از مسئله منطقی شر که همچون نسخه قدیمی اپیکوری - ہیومی سه صفت «قدرت مطلق»، «علم مطلق» و «خیرخواهی محض» خدا را با شر ناسازگار می‌بیند، نسخه جدیدی از مسئله منطقی شر وجود دارد که صفات دیگر خدا همچون «عظمت»، «استقلال» و «خلوص پیشین» خدا را با شر ناسازگار می‌داند. شلنبرگ در این روایت جدید از مسئله منطقی شر از دو خط استدلال لال «الگومحور» و «انگیزه محور» برهان را پیش می‌برد تا به نتیجه عدم امکان منطقی ترکیب وجود خدا و وجود شر برسد.

۱. نک.: مایکل پترسون، خدا و شر، ترجمه حسن قبیری، انتشارات کتاب طه، ۱۳۹۷، ص ۳۷-۵۴.

## رویکرد اول الگومحور است:

۱. خدا عظیم‌تر از خلقت و مستقل از خلقت و دارای خلوص پیشین (به معنای خالی بودن از هر نوع شر) است.
  ۲. هر خیر دنیوی که شری را مجاز گرداند، خیری محض از همان نوع در خدا پیش از خلقت دارد که این خیر این جهانی از آن الگو گرفته است.
  ۳. بنابراین، شری پیش از خلقت به عنوان همبستهٔ خیرهای پیشین وجود دارد.
  ۴. بنابراین، خدا در ذات خود از هر شری خالی نیست.
- طبعی است که مقدمه (۴) با مقدمه (۱) سازگار نیست. آنچه از مجموع سه لازمه خداباوری به دست می‌آید این است که در جهان ابدًا شر وجود نداشته باشد، حال آنکه در جهان شر وجود دارد و این دو حقیقت با هم سازگار نیستند.

## رویکرد دوم رویکرد انگیزه‌محور است:

۱. خدا عظیم‌تر از خلقت و مستقل از خلقت و دارای خلوص پیشین (به معنای خالی بودن از هر نوع شر) است.
۲. انگیزه‌ای که می‌توان برای خدا از خلقت جهان تصور کرد، به اشتراک گذاشتن خیر با موجودات متناهی است، خیری که خالی از هر نوع شر باشد، مانند اختیار دادن به مخلوقات یا عشق به مخلوقات.
۳. اما در جهان شروری وجود دارد.
۴. خدا در ذات خود خالی از شر نیست.

بدیهی است که مقدمه (۴) با مقدمه (۱) ناسازگار است. آنچه از مجموع سه صفت خدا به دست می‌آید این است که در جهان فقط خیرهایی بدون شر وجود داشته باشد تا شر به انگیزه‌الهی راه پیدا نکند و او را از خلوص نیندازد. حال آنکه در جهان خیرها همراه شرور وجود دارند و این دو حقیقت با هم ناسازگارند.<sup>۱</sup> از مسئلهٔ منطقی شربه «مسئلهٔ قیاسی شر»، «مسئلهٔ عقلی شر»، «مسئلهٔ نظری شر» و «مسئلهٔ الاهیاتی شر» نیز تعبیر می‌شود.

---

۱. نک.: مقاله «تغیر جدید از مسئلهٔ منطقی شر» در مجموعه حاضر.

## ۲. مسئله شاهد محور شر

ویلیام رو مشهورترین تقریر کننده برهان شاهد محور شر است. رودر نوشتۀ اول خود بر موردی از رنج حیوان تمکز می کند:

(E1): فرض کنید در جنگلی دور دست، صاعقه‌ای به درختی خشکیده برخورد می کند و باعث آتش سوزی در جنگل می شود. بجه آهوبی در آتش به دام می افتد، به طرز وحشتناکی می سوزد، و چندین روز عذاب دردنای را تحمل می کند تا اینکه مرگ او را خلاص کند.

بعد ها بیشتر بر موردی از رنج انسان تمکز می کند که درباره گزارشی واقعی از قتل دختری پنج ساله در فلینت میشیگان است:

(E2): دختر بجهه ای پنج ساله توسط دوست پسر مادرش مورد تجاوز قرار گرفته و بیشتر جاهای بدنش به شدت زخمی شده و در نهایت خفه شده است.

نسخه های متعددی از برهان شاهد محور رو در مقالات متعدد او مطرح شده که در اینجا هفت نسخه از آن را بازگو می کنم.

### نسخه اول: برهان شر گراف

رو در نسخه اولیه ای که از برهان ارائه می دهد از شرور E1 و E2 به عنوان «شرور گراف» یاد می کند.

۱. نمی توانیم هیچ گونه دلیل موجهی از سوی خدا برای تجویز E1 و E2 تصور کنیم.

۲. پس احتمالاً هیچ گونه دلیل موجهی از سوی خدا برای تجویز E1 و E2 وجود ندارد.

۳. اگر یک موجود قادر مطلق، عالم مطلق و خیر محض وجود می داشت، هیچ گونه شری را بدون اینکه دلیل موجهی برای توجیه آنها داشته باشد، تجویز نمی کرد.

۴. بنابراین احتمالاً هیچ موجود قادر مطلق، عالم مطلق و خیر محضی وجود ندارد.<sup>۱</sup>

1. Rowe, William, "The Cosmological Argument", in *Noûs* 5 (1), 1971, pp. 49-61.

## نسخه دوم: برهان کلاسیک

رو سپس نسخه بعدی برهان خود را ارائه می‌کند که به «برهان کلاسیک» مشهور شده است.

۱. نمونه‌هایی از رنج شدید وجود دارند به طوری که یک موجود قادر مطلق، عالم مطلق و خیر محض می‌توانسته از آنها پیشگیری کند، بدون اینکه به موجب آن خیری بزرگ‌تر از دست بود یا شری به همان میزان بد یا بدتر تجویز شود.
۲. یک موجود قادر مطلق، عالم مطلق و خیر محض تا حد امکان از وقوع هر گونه رنج شدید پیشگیری خواهد کرد، مگر اینکه بدون از دست رفتن خیری بزرگ‌تر یا تجویز شری به همان میزان بد یا بدتر، نتواند چنین کاری کند.
۳. احتمالاً موجود قادر مطلق، عالم مطلق و خیر محض وجود ندارد.<sup>۱</sup>

در ادامه ویلیام رو بررسی می‌کند که آیا در برخی رنج‌های مهیب نظری E1 و E2 خیری بزرگ‌تر وجود دارد که دستیابی به آن به تجویز این شرور بیارزد یا اینکه شری برابر یا بزرگ‌تر وجود دارد که پیشگیری از آنها بهتر از پیشگیری از این شرور باشد. رو مدعی است تا جایی که ما می‌فهمیم چنین شروری گزارف‌اند. زیرا به نظر نمی‌رسد هیچ خیر بزرگ‌تری وجود داشته باشد که پیشگیری از رنج آهوبچه مستلزم از دست رفتن آن یا وقوع شری به همان میزان بد یا بدتر باشد. نکته اینجاست که رو دنبال اثبات قطعی این فرض نیست و صرفاً می‌خواهد نشان دهد که باور به آن عقل‌آموجه و معقول است.

## نسخه سوم: برهان «نمی‌بینم، پس نیست»

- (P) هیچ یک از خیرهایی که می‌شناسیم، یک موجود قادر مطلق، عالم مطلق و خیر محض را در تجویز E1 و E2 موّجه نمی‌سازد.
- (Q) از همین رو محتمل است که اصلًا هیچ خیری یک موجود قادر مطلق، عالم مطلق و خیر محض را در تجویز E1 و E2 موّجه نمی‌سازد.

---

1. Rowe, William, "The Problem of Evil and Some Varieties of Atheism," in *American Philosophical Quarterly* 16, 1979, pp. 335-341.

(G) از همین رو محتمل است که هیچ موجود قادر مطلق، عالم مطلق و خیر محضی وجود ندارد.<sup>۱</sup>

استنتاج از P به Q از نوع «نمی‌بینم، پس نیست» است، یعنی این استنتاج که می‌گوید: «از آنجا که نمی‌بایم، احتمالاً وجود ندارد». استنتاج موجود در برهان رو این‌گونه است:

۱) هیچ خیری نمی‌بینیم که خدا بخواهد به خاطر آن شر E را تجویز کند.

پس

۲) هیچ خیری وجود ندارد که خدا بخواهد به خاطر آن شر E را تجویز کند.

#### نسخه چهارم: برهان بیزی

ویلیام رو در آثار بعدی خود اذعان می‌کند که تلاشش برای دفاع از استنتاج از P به Q در برهان قبلی ضعیف و ناکافی است. برای استنتاج از P به Q به دلیلی نیاز داریم که تصور کنیم خیرهایی که می‌شناسیم، نماینده همه خیرهای موجود هستند. رو به جای تلاش برای پیدا کردن چنین دلیلی، تصمیم می‌گیرد از این برهان دست بکشد و سراغ برهان دیگری برود که از نظر او بهتر از برهان «نمی‌بینم، پس نیست» است. روند برهان «نمی‌بینم، پس نیست» به این صورت بود که ابتدا از P به Q و سپس از Q به G منتقل می‌شد. اما او در برهان جدیدش می‌کوشد مستقیماً از P به G~ برسد. رو می‌خواهد مشخص کند که آیا کسی که دانشش مشتمل بر k است، می‌تواند با دانستن p دلیلی به سود G~ داشته باشد یا نه. K دانش پس زمینه‌ای ماست مشتمل بر اطلاعاتی که هر دو گروه غیرخداباور و خداباور که درباره مسئله تأمل کرده‌اند، امکان دسترسی به آن را دارند. بنابراین شامل آگاهی از شروری نظیر E1 و E2 و نیز آگاهی از خیرهای بسیاری می‌شود. اما شامل G~ یا P~ یا G/P~ نمی‌شود. یک روش برای تصمیم‌گیری درباره این مسئله این است که بفهمیم آیا Pr(G/k) کمتر از Pr(P&k) است یا نه. اگر کمتر بود آنگاه

1. Rowe, William, "The Empirical Argument from Evil," in Audi and Wainwright (eds.), *Rationality, Religious Belief, and Moral Commitment*, Ithaca: Cornell University Press, 1986, 227-247.

(برای کسی که  $k$  دانش پس زمینه‌ای او است)  $P$  دلیلی به سود  $G$ ~است، چرا که ورود  $P$  به مسئله، احتمال  $G$  را کاهش داده است. رو برای نشان دادن اینکه  $\Pr(G/P \& k) < \Pr(G/k)$  استفاده می‌کند.

$$\frac{\Pr(G/P \& k)}{\Pr(G/k)} = \frac{\Pr(P/G \& k)}{\Pr(P/k)}$$

بر اساس این فرمول می‌توانیم ببینیم که اگر  $\Pr(P/G \& k) < \Pr(P/k)$  آنگاه  $\Pr(G/P \& k) < \Pr(G/k)$ . بنابراین از آنجا که می‌توانیم مشخص کنیم که  $\Pr(P/G \& k) < \Pr(P/k)$ ، خواهیم دانست که  $P$  دلیلی به سود  $G$ ~است، زیرا  $G$  را از حالت‌های دیگر نامحتمل‌تر می‌کند. بنابراین به این نتیجه می‌رسیم که  $\Pr(G/P \& k) < \Pr(G/k)$ . بنابراین اگر روبرحق باشد، به نظر می‌رسد احتمال  $G$  را کاهش می‌دهد و بنابراین  $P$  دلیلی است به سود  $G$ ~.

### نسخه پنجم: برهان احتمالاتی

طرفداران برهان احتمالاتی شراظهار می‌دارند که شر و وجود خدا را نامحتمل یا بعید می‌سازد. کورنمن و لبر مسئله احتمالاتی شر را این‌گونه طرح می‌کنند:

اگر شما خیر مطلق، عالم مطلق و قادر مطلق بودید و می‌خواستید موجوداتی دارای شعور - موجوداتی دارای خوشی و ناراحتی، لذت و الام، عشق و خشم، رحم و نفرت - بیافرینید، کدام نوع جهان را می‌آفریدید؟ ... سعی کنید تصور کنید این جهان شبیه چه جهانی می‌بود. آیا شبیه جهانی می‌بود که ما اکنون در آن زندگی می‌کنیم؟ اگر قدرت و علم داشتید که هر جهان ممکنی را بیافرینید، آیا جهانی شبیه این جهان می‌آفریدید؟ اگر پاسخ شما منفی است ... به نظر می‌رسد باید نتیجه بگیریم که نامحتمل است کسی که ما آن را خدا می‌نامیم جهان را آفریده باشد.

1. Rowe, William, "The Evidential Argument from Evil: A Second Look," in Howard-Snyder, *The Evidential Argument from Evil*, Bloomington: Indiana University Press, 1996, 262-285.

۲. نک: ..

James W. Corman and Keith Lehrer, *Philosophical Problems and Arguments: An Introduction*, New York: Macmillan, 1970, pp. 340-341.

(به نقل از مایکل پترسون، خدا و شر، ص ۷۲)

پرسون برهان احتمالاتی کورنمن-لیر را این طور صورت‌بندی می‌کند:

۱. اگر خدا قادر مطلق و عالم مطلق است، پس می‌توانست هر جهان منطقاً ممکنی را بیافریند.

۲. اگر خدا خیر محض است، پس بهترین جهان ممکن را برای آفرینش انتخاب می‌کرد.

۳. اگر خدا قادر مطلق، عالم مطلق و خیر محض است، بهترین جهان ممکن را می‌آفرید.

۴. نامحتمل است جهان فعلی بهترین جهان ممکن باشد.

۵. نامحتمل است خدای قادر مطلق، عالم مطلق و خیر محض وجود داشته باشد.

وسلی سالمون از احتمال آماری برای رد وجود خدا استفاده می‌کند. او ذکر می‌کند که از میان جهان‌های ممکنی که میزان شر در آنها به اندازه این جهان است، تعداد نسبتاً کمی از آنها را خدا آفریده است. پس گزاره «خدای قادر مطلق، عالم مطلق و خیر محض وجود دارد» احتمال آماری کمی یعنی کمتر از ۵٪ دارد. انتقاد پلنتینگا این است که سالمون چگونه جهان‌های ممکن را که تعدادشان به لحاظ نظری بی‌نهایت است محاسبه می‌کند تا بتواند ضریب احتمال وجود خدا را در آن رقم کل جهان‌های ممکن به دست آورد. درادامه همین دست انتقادها است که برهان‌های احتمالاتی عینی و آماری پیشینی بعد از راهیابی قضیه بیز به آثار فلسفی، جای خود را به احتمالات ذهنی و پسینی داد و نسخه برهان بیزی به صورتی که در براهین رو ذکر کردم، روی کار آمد.

### نسخه ششم: برهان استنتاج از راه بهترین تبیین

برهان از راه بهترین تبیین را پل دراپر برای اثبات خداناپوری از راه شر اقامه کرده است. دراپر ادعا می‌کند که با مشاهده وضعیت امور عالم که آمیخته‌ای از خیر و شر است، فرضیه بی‌سویگی<sup>۱</sup> بهتر از خداناپوری می‌تواند این واقعیت را تبیین کند. این برهان مدعی است که می‌توان فرضیه‌های بدیلی عرضه کرد که در تبیین

---

۱. indifference



## درباره شر

ترجمه مقالات برگزیده در فلسفه والاهیات شر  
جلد دوم: الاهیات مدرن

به سرپرستی: نعیمه پورمحمدی

ترجمه: نعیمه پورمحمدی، سید محمدحسین صالحی،  
مهری خسروانی، محمد حقانی فضل و دیگران



- قم: بلوار معلم، مجتمع ناشران، طبقه سوم، واحد ۳۱۴، انتشارات کتاب طه
- دفتر انتشارات: ۰۲۵ ۳۷۷ ۴۴۶۲۴
- دورنویس: ۰۲۵ ۳۷۷ ۴۳۶۲۴
- فروشگاه (کتابسرای طه): ۰۲۵ ۳۷۸ ۴۸۳۲۶

🌐 ketabtaha.com 📧 ketabtaha@gmail.com  
🌐 telegram.me/tahabooks 📱 instagram.com/ketabtaha

## درباره شر

ترجمه مقالات برگزیده در فلسفه والاہیات شر

### جلد دوم: الاہیات مدرن

به سرپرستی: نعیمه پورمحمدی

ترجمه: نعیمه پورمحمدی، سید محمد حسین صالحی، محمد حقانی فضل، مهدی خسروانی و دیگران

● ناشر: کتاب طه

● چاپ اول: زمستان ۱۳۹۷

● شمارگان: ۵۰۰ جلد

● شابک جلد دوم: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۳۴-۶۷-۸

● شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۳۴-۶۵-۴

● چاپ و صحافی: بوستان کتاب

● کارگروه تولید مؤسسه فرهنگی طه

اکرم صادقی / صفحه آرا

هدیه پورمحمدی / طراح جلد

---

همه حقوق این اثر محفوظ است. هرگونه تکثیر، انتشار، اقتباس و تلخیص تمام یا قسمتی از این کتاب به هر صورت (چاپ، کپی، صوت، تصویر، انتشار در فضای مجازی) بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است و به موجب «قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان» پیگرد قانونی دارد.

---

مادری که برای فرزند مردهاش عزاداری می‌کند، هنوز می‌تواند امیدوار باشد که خدا را ستایش کند و برای همیشه از نعمت وجود خدا بخوردار شود؛ تسلایی از سوی خدا، از سوی روح جاوداهای در درون خویش. اما نه تسلایی از جنس مادرانگی. به ویژه از شادی مادرانه باید چشم پوشد. هرگز در هیچ مکان یا زمانی، پرسش را بر روی زانوانش نخواهد گذاشت، یا اورا حمام نخواهد کرد یا برایش قصه نخواهد گفت، یا برای آینده پسرک نقش نخواهد کشید، یا نوه‌اش را نخواهد دید...

سمی، اس، لوئیس  
حکایت یک غم



## فهرست مطالب

فصل اول: الاهیات خدای گشوده.....	۱۱
۱. مشیت خدا و شر: سه نظریه .....	۱۳
ویلیام هسکر / ترجمه: نعیمه پورمحمدی	
۲. مسئله شر.....	۳۷
کلارک بیناک / ترجمه: نعیمه پورمحمدی	
۳. رنج بشری .....	۴۳
ویلیام هسکر / ترجمه نعیمه پورمحمدی	
۴. مسئله شر در خداباوری پویشی و خداباوری کلاسیک مبتنی بر اختیار.....	۴۹
ویلیام هسکر / ترجمه: نعیمه پورمحمدی	
فصل دوم: الاهیات پویشی .....	۷۱
۵. شرو قدرت انگیزندہ .....	۷۳
پیتر هروداورد ملین / ترجمه: نعیمه پورمحمدی	
۶. خلق از عدم، خلق از آشوب و مسئله شر.....	۸۳
دیوید ری گریفین / ترجمه: محمد حقانی فضل	
فصل سوم: الاهیات اعتراض .....	۱۱۳
۷. «به حق که عادلی یا رب!».....	۱۱۵
چرا رد مُنْلَی هاپکینز / ترجمه: سید محمد حسین صالحی	

۱۱۹.....	۸. پیش و پس از حیات .....
	تامیس هاردی / ترجمه: سید محمد حسین صالحی
۱۲۱.....	۹. تهدیسه اعتراض.....
	جان کی. راث / ترجمه: سعیده میر صدری
۱۸۵.....	۱۰. رویارویی با خدای قهراء.....
	دیوید بلومتنال / ترجمه: نعیمه پور محمدی
۲۱۱.....	۱۱. توجه! توجه! پاسخی از جانب خدا.....
	فردریک زونتاگ / ترجمه: محمد حقانی فضل
۲۲۳ .....	۱۲. شورش متافیزیکی (معرفی کتاب خوف از خدا: عطار، ایوب و شورش متافیزیکی، نوشتۀ نوید کرمانی) .....
	نعیمه پور محمدی
۲۴۳ .....	<b>فصل چهارم: الاهیات شکاکانه .....</b>
۲۴۵.....	۱۳. هشدار ایوب.....
	کلی جیمز کلارک / ترجمه: نعیمه پور محمدی
۲۵۱ .....	۱۴. تاریخچه مختصری از پاسخ‌های شکاکانه به شر.....
	تی. ام. روداوسکی / ترجمه: نعیمه پور محمدی
۲۸۵ .....	۱۵. خداباوری شکاکانه و مسئله شر.....
	میشل برگمن / ترجمه: سید احمد رضا هاشمی
۳۲۷ .....	۱۶. خداباوری شکاکانه، کورنیا و معرفت‌شناسی عقل عرفی .....
	توماس دی. سینور / ترجمه: نعیمه پور محمدی
۳۶۷ .....	<b>فصل پنجم: الاهیات مبتنی بر معرفت‌شناسی اصلاح شده .....</b>
۳۶۹ .....	۱۷. مسئله شر.....
	جورج ماوروؤس / ترجمه: رضا صادقی

۳۹۵.....	فصل ششم: الاهیات روایی
۳۹۷.....	۱۸. رنج را جدی بگیریم
	کیث سورین / ترجمه و تلخیص: نعیمه پورمحمدی
۴۰۹.....	۱۹. روایت کردن شر: نظریه‌ای پسامتافیزیکی درباره حکم وجدانی
	ماریا پیا لارا / ترجمه: محمد حقانی فضل
۴۳۷.....	۲۰. فرجام‌های خوش/بی فرجامی: روایت‌ها از شر
	کارول إل. برنشتاين / ترجمه: محمد حقانی فضل
۴۶۷.....	فصل هفتم: الاهیات صلیب
۴۶۹.....	۲۱. نقدی بر خودآزاری مسیحیت
	دوروثی سوئله / ترجمه: سید محمد حسین صالحی
۴۷۷.....	۲۲. تندیسه‌هایی با تأکید «عملی»
	کیث سورین / ترجمه: نعیمه پورمحمدی
۵۱۳.....	۲۳. رنج‌های نجات‌بخش: راه حلی مسیحی برای مسئله شر
	مرلین مک‌کورد آدامز / ترجمه: نعیمه پورمحمدی
۵۳۹.....	فصل هشتم: الاهیات شبانی
۵۴۱.....	۲۴. مسئله دینی شر
	جان فینبرگ / ترجمه: کوثر طاهری
۵۸۹.....	۲۵. مسئله دینی: فایده‌های رنج
	جان فینبرگ / ترجمه: کوثر طاهری
۶۰۹.....	۲۶. مسئله شرو وظیفه کشیشی
	جان بی. کاب / ترجمه: محمد حقانی فضل
۶۲۷.....	فصل نهم: الاهیات اگزیستانسی
۶۲۹.....	۲۷. در باب تأسف خوردن بر شرور این جهان
	ویلیام هسکر / ترجمه: نعیمه پورمحمدی

۶۴۹.....	۲۸	عشق خدا و محنت
		سیمون وی / ترجمه: سید محمدحسین صالحی
۶۵۹.....		فصل دهم: الاهیات عملگرایانه
۶۶۱.....	۲۹	اعتقاد به خدا به خاطر شر: استدلالی عملگرایانه براساس شربه سود باور به خدا
		مرلین مک‌کورد آدامز / ترجمه: مهدی خسروانی
۶۹۵.....		فصل یازدهم: الاهیات فمینیستی
۶۹۷ .....	۳۰	فمینیسم و مسئله شر
		بورلی کلک / ترجمه: کوثر موسوی
۷۲۷ .....		نمایه